

The Role of Monotheistic Insight in Human Health

ARTICLE INFO

Article Type

Analytical Review

Aurhors

Noormohammadi, Gh.^{*1} Ph.D

How to cite this article

Noormohammadi, Gh.^{*1} Ph.D.
The Role of Monotheistic
Insight in Human Health.
*Journal of Quran and
medicine, 2019:3(3): 1-7*

ABSTRACT

"Health" is one of the broadest issues in the field of human thought. The type of insight that every person or society has on the issue of "health" will play a significant role in formatting lifestyle and directing them to their lifestyle. Whatever this look is more accurate, a better context will be provided for human desirability. Islam as an intellectual and practical school has a special look at the issue of "health". This paper examines the monotheistic insight of "Islam" in the field of health with a new attitude and examines two main parts; the benefits and believable and practical effects. The method of this study is descriptive and analytical, which is done by referring to religious and scientific texts; then the obtained information is categorized and analyzed. According to the findings of the study, Islam based on its own worldview presents a special description of "health" that is significant in two fields of physics and metaphysics. "Health" in Islamic attitude had both a divine origin, and moves toward divine destination. The purpose of human "health" is divine and metaphysical. Human should seek the goal of their "health" in their spiritual dimensions (in the approach to the source of "health", that is, God). If a human places his life in this direction, he will achieve the true meaning of his life.

Keywords: Islam, Health, Health System, Monotheistic Insight

¹Ph.D. in Quran, Hygiene and Health, Islamic Maaref Department, School of Medicine, Tehran University of Medical Sciences, Tehran, Iran.

* Correspondence:

Address: Building No. 43, Qods St.,
Tehran, Iran

Phone: +98 912 1511648, +98 21
88964003

g_noormohammadi@sina.tums.ac.ir

Article History

Received: January 28, 2019

Accepted: September 21, 2019

ePublished: September 22, 2019

نقش بینش توحیدی در سلامت انسان

غلامرضا نورمحمدی*

گروه معارف اسلامی، دانشکده پزشکی، دانشگاه علوم پزشکی تهران، ایران

به آثار باوری سلامت است. در این مقاله سعی شده است با بررسی نگرش توحیدی و ابعاد آن، اثرات این جهان‌بینی بر روی سلامت انسان تبیین گردد.

مواد و روش‌ها

با مراجعه به متون دینی و دسته‌بندی اطلاعات به دست آمده می‌توان دریافت که مراعات اصول سلامت، آثار جسمی، روانی، اجتماعی و معنوی فراوانی را در پی دارد. در یک تقسیم‌بندی می‌توان این آثار را در دو بخش قرار داد:

الف) مادی

برخی آثار مادی در آیات و روایات برشمرده شده است، مانند طولانی شدن عمر، بالا رفتن سطح سلامت، پیشگیری از بیماری‌ها و ناهنجاری‌های جسمی، اختلالات مغزی، افزون شدن فصاحت گفتار^[۱] محو شدن بوی بد بدن.

ب) فرا مادی

برخی آثار فرا مادی نیز برشمرده شده که مشوق فرد مسلمان به رعایت بهداشت و سلامت است، مانند جلب رضایت و محبویت یافتن نزد خداوند، تکمیل ایمان، اتمام نعمت از سوی پروردگار، اقتدا به سیره و سنت پیامبران، به خشم آوردن شیطان و مصونیت از وسواس شیطانی.

این پژوهش با تقسیم‌بندی جدیدی، درصد تبیین دیدگاه خاصی به موضوع سلامت است، به همین جهت آثار فوق را به صورت گذرا بیان نموده است، علاوه بر این که در بسیاری از مقالات به این آثار توجه گردیده است. برای آثار سلامت می‌توان تقسیم‌بندی جدیدی بیان نمود که معمولاً نسبت به آن تأمل و دقت لازم صورت نمی‌گیرد. بر اساس بینش توحیدی، نتایجی که در حوزه سلامت می‌توان برشمرد، در دو بخش باوری و کاربردی قرار می‌گیرد، زیرا نوع نگرش به سلامت، هم بر روی اندیشه انسانی تأثیرگذار است، و هم در رفتارها و عملکرد او در زندگی تأثیر به‌سزایی خواهد داشت. البته این بدان معنا نیست که در هر فرد مسلمان می‌توان این آثار باوری و رفتاری را مشاهده نمود، بلکه به هر میزان که یک فرد از اندیشه عمیق دینی، و التزام و تعهد عملی به این آموزه‌ها برخوردار باشد، می‌توان این نتایج را در وجود او انتظار داشت.

آثار باوری بینش توحیدی در سلامت

واژه "Belief" در فارسی به باور، عقیده، ایمان و اعتقاد ترجمه شده است.^[۲] در یک تعریف ساده «باورها، اندیشه‌هایی هستند که فرد به درستی و حقانیت آن‌ها اعتقاد دارد.^[۳] کرچ و کرچفیلد باور را چنین تعریف کرده‌اند: باور، سازمانی با ثبات از ادراک و شناختی نسبی درباره جنبه خاصی از دنیای یک فرد است.^[۴] عقیده (Opinion) در ساده‌ترین تعریف، چیزی است که شخص بر مبنای واقعیات، درست می‌پندارد.^[۵] در تفاوت عقیده و باور گفته‌اند: «باورها جنبه کلی‌تری نسبت به عقاید دارند. آن‌ها دنیای فرد را می‌سازند و به او ثبات نظر می‌دهند. مجموعه مطالبی که ما درباره یک موضوع خاص می‌دانیم و همه قضایایی که برای ما معنایی ندارند و هم‌چنین همه موضوعاتی که ما فکر می‌کنیم واقعیت دارند، باور ما را تشکیل می‌دهند.^[۶]»

اما فلاسفه معاصر، باور را یک نگرش (Attitude) و حالت نسبت به یک گزاره می‌دانند زیرا نگرش؛ دارای بعد سومی به نام رفتار است. البته برخی محققان نیز نگرش را حلقه واسط بین باورها و رفتار دانسته‌اند؛ یعنی باورها وقتی به نگرش تبدیل شوند،

چکیده

«سلامت» از گسترده‌ترین موضوعات قابل طرح در حوزه اندیشه بشری است. نوع بینشی که هر فرد یا جامعه به مسئله «سلامت» دارد، نقش به‌سزایی در شکل‌گیری سبک زندگی و جهت‌دهی به مسیر زندگی آنان خواهد داشت. هر چه این نگاه صحیح‌تر باشد، بستر هموارتری برای حیات مطلوب انسانی فراهم خواهد شد. اسلام نیز به‌عنوان یک مکتب فکری و عملی دارای نگاه ویژه‌ای به مسأله «سلامت» است. پژوهش حاضر با نگرش جدیدی به بررسی بینش توحیدی «اسلام» در بعد سلامت پرداخته و دو بخش عمده، فواید و آثار باوری و کاربردی را مورد واکاوی قرار داده است. روش پژوهش اسنادی و از نوع توصیفی و تحلیلی است که با مراجعه به متون دینی و علمی انجام شده و اطلاعات به دست آمده دسته‌بندی و مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفته است. بر اساس یافته‌های پژوهش، اسلام - مبتنی بر جهان‌بینی خاص خود - تحلیل ویژه‌ای از «سلامت» ارائه نموده که در دو حوزه مادی و فرامادی قابل توجه است. «سلامت» در نگرش اسلامی، هم منشأی الهی داشته و هم به‌سوی مقصدی الهی در حرکت است. بنابراین، هدف «سلامت» انسان، الهی و فرا مادی است و انسان باید غایت «سلامت» خود را، در ابعاد معنوی خویش (در تقرب به منبع و سرچشمه «سلامت»، یعنی خداوند) جست‌وجو نماید. اگر انسان زندگی خود را در این راستا قرار دهد، به معنای حقیقی زندگی خویش دست می‌یابد.

واژگان کلیدی: اسلام، سلامت، نظام سلامت، بینش توحیدی

تاریخ دریافت: ۱۳۹۷/۱۱/۸

تاریخ پذیرش: ۱۳۹۸/۶/۳۰

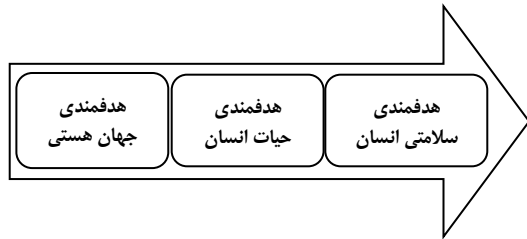
* نویسنده مسئول: g_noormohammadi@sina.tums.ac.ir

مقدمه

بر اساس آیات قرآن، خداوند انسان را بر پایه توحید خلق کرده است و توحید شکل‌دهنده و جهت‌دهنده مسیر زندگی است. سلامتی هم که یکی از اصول زندگی است، از این قاعده مستثنی نبوده و با بینش انسان نسبت به خود و جهان اطرافش رابطه‌ای تنگاتنگ دارد. بر اساس بینش توحیدی، انسان باید همیشه به یاد داشته باشد که همه امور منشأ الهی دارد. در این بینش، سلامتی نیز از جانب خداوند به انسان اعطا شده است، زیرا عوامل بسیار متعددی در برقراری سلامتی یا مخدوش نمودن آن نقش دارند که جز با لطف خداوند، تحقق این نعمت امکان‌پذیر نخواهد بود.

خداوند در قرآن این نکته را بیان نموده که اگر انسان بینش توحیدی داشته باشد، خدا او را هدایت خواهد کرد و بر این هدایت خواهد افزود (سوره کهف، آیه ۱۳). اما در مقابل، اگر انسان بینش توحیدی نداشته باشد، به راه خطا رفته و در حق خود و خدای خود ظلم روا داشته است و کسی که از آیات خدا روگردانی کند، از همه ظالم‌تر است (سوره کهف، آیه ۵۷).

امروزه انسان در همه عرصه‌های علمی و عملی که با سلامت انسان ارتباط دارد، به دلیل نگرش مادی‌گرایانه، از مسیر اصلی خود منحرف شده و راه سلامت خویش را گم کرده است و بدین‌گونه ظلمی بزرگ به خویش‌نموده است. بنابراین، برای برخورداری از هدایت الهی و حرکت در مسیر درست سلامتی باید نگرش مادی‌گرایانه خود را به نگرش توحیدی تغییر دهد تا از سلامتی در مسیر صحیح بهره‌مند گردد. از جمله تفاوت‌هایی که نگرش توحیدی به سلامت انسان با سایر نگرش‌های موجود دارد، توجه



به‌طور تفصیلی می‌توان گفت: با نگاهی دقیق، فلسفه سلامت انسان از دیدگاه اسلامی را می‌توان در یک مسیر وجودی چند لایه و مرحله به مرحله پیدا نمود. انتخاب مسیر بندگی خالق آفرینش هم آخرین مرحله است که در نهایت، قرب به مبدأ هستی را فراهم می‌سازد، زیرا بر اساس مجموع آیات و روایات، می‌توان هدف غایی آفرینش انسان و سلامت او را تقرب به خداوند در نظر گرفت. حکمت آفرینش انسان این است که با به‌کارگیری اندیشه با آفریدگار خود آشنا شود و با به‌کار بستن برنامه‌هایی که او از طریق پیامبران خود برای سعادت دنیا و آخرت ارایه کرده است، به‌سوی رحمت مطلق خداوند رهسپار گردد و برای همیشه از بهترین زندگی برخوردار شود.^[۹]

انسانی که به خالق، خود و جهان هستی و آخرت توجه دارد، سلامت خویش را در مسیر بندگی او تعریف می‌کند. این انسان از نوعی زندگی معنادار برخوردار است و هیچ‌گاه سلامت خود را خالی از هدف نخواهد دید. مسیر صحیح زندگی که انسان را به‌غایت حقیقی سلامت می‌رساند، محوریت خداوند و جاری ساختن پرستش آگاهانه او در تمام ابعاد و شئون زندگی است. این تنها مسیر صحیح سلامت انسان است که او را به نهایت سلامت پایدار و ابدی خویش می‌رساند. از منظر دینی، این تنها هدف و فلسفه واقعی و پایدار سلامت انسان است. هر انسانی که غایت سلامت خود را در این هدف ببیند، به یک زندگی معنادار و متعالی دست خواهد یافت. انسان در این راه، با تلاش خود، تمامی ظرفیت‌ها و استعداد‌های مادی و معنوی وجود خود را به یک شکوفایی جامع و متوازن خواهد رساند. این هدف، در چارچوب «حیات طیبه» انسانی در زندگی دنیوی محقق می‌گردد. اما با توجه به آن‌که حیات دنیوی، نقش واسطه‌ای برای حیات ابدی انسان دارد، هدف نهایی سلامت دنیوی را نیز باید در راستای سلامت پایدار «آخرت» جست‌وجو نمود.

البته با آن‌که اسلام اهداف والای معنوی و قرب به خداوند را هدف نهایی سلامت معرفی کرده است، اما باید دانست در ذیل این هدف متعالی، اهداف متوسط و نیازهای مادی و دنیوی انسان نیز به بهترین نحو برآورده خواهند شد. پس با وجود آن‌که هدف نهایی سلامت، امری فرا مادی است، اما اسلام این هدف را به شکلی طراحی نموده که اهداف مادی و دنیوی انسان را نیز در بر خواهد گرفت. پس شناسایی هدف نهایی برای سلامتی به معنای کنار گذاشتن سایر اهداف نیست، بلکه به معنای همسو نمودن سایر اهداف با هدف نهایی است. بیان لایه‌های طولی هدف «سلامت» به معنای تأمین تمام نیازهای لازم و کافی در تمام ابعاد جسمی، روانی، اجتماعی و معنوی و در عین حال حرکت و پویایی به‌سوی غایت هستی است گرچه در صورت تعارض میان اهداف با هدف نهایی نیز طبیعی است که در این‌جا هدف نهایی ترجیح داده می‌شود. رسالت اصلی قرآن کریم و آموزه‌های اسلامی نیز همین موضوع است و اگر رهنمودهای سلامت را هم در متون اسلامی می‌بینیم در همین راستا است. به‌عنوان نمونه، سلامت جسمی بندگان می‌تواند به‌عنوان یک عامل مهم در انجام عبادات و زمینه-

می‌تواند در رفتار متجلی گردند. ایشان معتقدند هر نگرشی دارای یک بعد شناختی است که نگرش از آن تغذیه می‌گردد.^[۷]

به هر صورت، باورها ادراک ما را از هستی می‌سازند. طبیعی است زمانی که فرد با نگرش توحیدی به هدف نهایی سلامت توجه نماید، ضمن تغییر نگاه او به سلامت، نگرش وی به جهان هستی و پدیده‌های آن نیز تحول عمیقی خواهد یافت. اکنون به دو مورد از مهم‌ترین آثار باوری حاصل از این نگرش اشاره می‌گردد:

الف) توجه حقیقی به خداوند (تقویت اندیشه توحیدی)

یکی از کلیدی‌ترین مسائل مطرح در مورد سلامت که ذهن هر اندیشمندی را به خود مشغول می‌دارد، مسأله هدف از سلامتی است. انسان در نهایت در برابر این پرسش بنیادین قرار می‌گیرد که واقعاً هدف و فلسفه سلامت چیست؟ شناخت «هدف نهایی» در طراحی درست نظام سلامت نیز آثار فراوانی به دنبال دارد:

- مشخص شدن اولویت‌ها در نظام سلامت

- تعیین تعریف روشن مفاهیم در نظام سلامت

- تعیین شاخص کلان ارزیابی در نظام سلامت: هر نوع اقدام در حوزه سلامت که در راه رسیدن به این هدف نهایی باشد مثبت ارزیابی خواهد شد و برعکس.

طبیعی است هدف نهایی در سلامت با توجه به جهان‌بینی افراد، می‌تواند متفاوت باشد. با این وجود:

اولاً: نیاز مشترک تمام نظام‌های سلامت، داشتن یک هدف نهایی است.

ثانیاً: طبیعی است بر اساس جهان‌بینی‌های متفاوت نسبت به «انسان» و سبک زندگی وی، شاهد بیان دیدگاه‌های متفاوت درباره هدف نهایی «نظام سلامت» باشیم.

ثالثاً: با توجه به این‌که در عالم واقع، تنها یکی از این جهان‌بینی‌ها می‌تواند صحیح باشد، پس می‌توان گفت هدف نهایی واقعی در «نظام سلامت» هم الزاماً تابع این جهان‌بینی خواهد بود.

به‌طور خلاصه می‌توان گفت: برخی سلامت را به‌عنوان هدف نهایی در نظر می‌گیرند اما با نگاه به مهم‌ترین هدف فلسفه آفرینش انسان درمی‌یابیم که هدف نهایی سلامت، فرا مادی (قرب الهی) می‌باشد و هیچ هدف مادی برای فلسفه آفرینش انسان ذکر نشده است. قرب الهی نیز مرتبه‌ای از وجود است که در آن، استعداد‌های ذاتی شخص با سیر و حرکت اختیاری خودش به فعلیت می‌رسد.^[۸]

این مسأله نشان‌گر آن است که سلامت دنیوی، در این نگاه نقش واسطه‌ای داشته و نباید آن را هدف نهایی تصور نمود. در بینش توحیدی، سلامت دنیوی زمانی ارزش دارد که بستر زندگی فرد را به‌سوی قرب الهی فراهم سازد، زیرا کیفیت و هدفمندی مناسب زندگی دارای ارزش است نه صرفاً کمیت آن. پس سلامتی نقش ابزاری دارد، چون بر اساس نگاه اسلام، انسان برای تأمین هدفی خاص آفریده شده، که کمیت و کیفیت سلامت نیز برای تأمین این هدف خواهد بود. آن‌چه که به‌طور ویژه در بینش توحیدی در سلامت و هدف و معنای آن موضوعیت دارد، خدامحوری همه‌جانبه است. به همین جهت باید هدف اصلی سلامت را در اموری فراتر از امور مادی جست‌وجو کرد. در تفکر اسلامی از هدف‌مندی و وجود نظام غایی در عالم هستی، می‌توان به هدف‌مندی و معنادار بودن حیات و سلامت انسان به‌عنوان برترین مخلوق الهی در این نظام پی برد. بر این اساس، برای انسان هم مبدأیی الهی و هم هدف و مقصدی الهی تبیین می‌شود: *إِنَّا لِلَّهِ وَاِنَّا إِلَيْهِ رَاجِعُونَ* (بقره: ۱۵۶) «ما از آن خدا هستیم و به او باز می‌گردیم».

انسان مطرح باشد که با عبودیت گره خورده است. این موضوع در بسیاری از دعاها مشهود است:

«خدایا! گناهان گذشته من را ببخش و باقی مانده عمرم را اصلاح فرما و ناتوانی من را برای هدفی که برای آن آفریده شده‌ام توانایی ببخش»^[۱۶]

برعکس، انسان‌هایی که با وجود برخورداری از سلامت جسمانی، تلاشی در جهت تقرب به خداوند ننموده‌اند، این سلامت جسمانی، سلامت اخروی را به دنبال نداشته است. در پیش توحیدی، سلامتی که در مسیر دستیابی به اهداف الهی نباشد گمراهی را به همراه دارد. درحالی که اگر یک انسان به‌طور عمیق به سلامت خویش بنگرد، به‌خوبی درمی‌یابد که خود انسان، سلامت جسمی خویش را ایجاد نمی‌نماید و تنها در حفظ بخشی از آن نقش دارد، پس باید قدرت دیگری را در اصل و سرچشمه سلامت خویش مؤثر بداند. امام صادق (ع) در دو مناظره با افراد کافر، این حقیقت را بیان نموده‌اند:

- و تو فکر می‌کنی بیماری‌ها ریشه در غذا و نوشیدنی‌های بد و آلوده دارد یا به‌خاطر بیماری مادر اوست، و معتقدی اگر کسی رعایت تندرستی را بکند و مراقب جسم خود باشد و نیک و بد خوراکی‌ها را بداند بیمار نشود، و در نهایت بدین اصل معتقد شده‌ای که بیماری و مرگ ریشه در نوع خوراک و نوشیدنی دارد! مگر ارسطو معلم طبییان و افلاطون پیشوای حکما؛ طعم مرگ را نپوشیدند، و خود جالینوس پیر و نحیف شد ولی هنگام رسیدن مرگ نتوانست جلوی آن را بگیرد، و هیچ‌کدام نتوانستند جان خود را حفظ نموده و مراقب آن باشند. چه بسیار بیمارانی که درمان بر دردشان افزوده، و چه بسیار طبییان عالم و آشنا به دارو و درمانی که مردند، و ناآگاهان به طبابت پس از ایشان دوره‌ای به زندگی خود ادامه دادند، و نه آن را آگاهی به طب سود داد وقتی مرگ رسید، و نه این را ناآگاهی به طب بقای زندگی و تأخیر مرگ زیان رساند»^[۱۷]

- خطاب به ابن‌ابی‌العوجاء: وای بر تو! چگونه پنهان گشته بر تو کسی که قدرتش را در وجود خودت به تو ارایه داده است، پیدا شدن بعد نبودن، بزرگسالی‌ات بعد کودکی، قوت بعد از ناتوانی، و ناتوانیت بعد از قوتت، بیماری‌ات بعد از سلامتت، و سلامتت پس از بیماری...^[۱۸]

تأمل و توجه عمیق هر انسانی به سلامت خویش او را متوجه خالق خود، و وابستگی ذاتی او به خداوند می‌گرداند، به همین جهت متون اسلامی، سلامت را پدیده‌ای پویا در راستای سلامت اخروی می‌دانند. در این نگرش، انسان حس می‌کند نه فقط در لحظه خلقت و سلامت اولیه خود، بلکه در تمام لحظات زندگی خویش نیازمند دریافت فیض سلامت از خداوند است. درک همین فقر ذاتی نسبت به خالق خود، و توجه به ارزش پدیده سلامت، خود دارای آثار معرفتی و معنوی فراوان، و موجب توجه ویژه انسان به خداوند و الطاف بی‌پایان او می‌گردد. از این‌رو، این نگرش در دعاها بیان شده است که سلامتی ما را رهنمون به سرچشمه و بخشنده سلامتی نماید. کامل‌ترین دعا در این ارتباط سلامتی با خداوند و تقویت اندیشه توحیدی را در دعاها می‌توان یافت:

دعای امام رضا (ع): «ای خداوند! ای صاحب سلامتی! و ای آفریننده سلامتی! و ای روزی‌دهنده سلامتی! و ای نعمت‌دهنده سلامتی! ای احسان‌کننده سلامتی بر من و تمام آفریننده‌هایت! ای بخشاینده و مهربان دنیا و آخرت! بر محمد و خاندان او درود فرست و سلامتی و دوام و استمرار آن، سلامتی کامل و سپاس‌گزاری بر آن را در دنیا و آخرت روزی ما گردان! ای بخشنده‌ترین بخشاینده‌گان!»^[۱۹]

ساز تقرب انسان به خداوند مؤثر باشد. مسلمانان نیز با این بینش، بدن سالم و نیرومند می‌خواهند تا در انجام وظایفشان موفق‌تر باشند. در متون دینی هم از مسلمانان خواسته شده که در حفظ سلامت جسمی و به دست آوردن آن در صورت بروز بیماری کوشا باشند و از سلامت جسمی برای اطاعت پروردگار خود بهره ببرند. در روایتی از امیر مؤمنان (ع) به زیبایی این ارتباط بیان شده است: «زکات سلامت جسمی، تلاش در راه اطاعت خداوند است»^[۱۰].

پس در پیش توحیدی، سلامتی و توانایی جسمانی یک هدف نهایی محسوب نمی‌شود، بلکه هدفی واسطه‌ای و ابزاری برای هدف‌های والاتر است. این نکته در دعاها مختلف مطرح شده و از خداوند خواسته شده که سلامت جسمانی در راستای عبودیت باشد:

- «خدایا! بدنی قوی‌تر از بدن کنونی بر انجام طاعت و عبادتت را به من عطا فرما»^[۱۱]

- امام حسن (ع): «خدایا! بر محمد و خاندانش درود فرست، و گشایش در روزی، سلامتی در جسم من و قدرت و توانایی در بدنم را بر انجام طاعت و عبادتت به من عطا فرما. از رحمت و خشنودی و سلامتت به اندازه‌ای به من عطا فرما که مرا از تمام گرفتاری‌های دنیا و آخرت سالم نگاه داری»^[۱۲]

- امام سجاد (ع): «خدایا! در این روز پنج‌شنبه برای من پنج چیز را بر آورده فرما که جز کرم تو گنجایش آن‌ها را ندارد و جز نعمت‌های تو طاقت آن را ندارد (یکی از پنج مورد، آن است): سلامتی که با آن بر فرمان‌برداری تو توانا باشم»^[۱۳]

مرحوم نراقی نیز در معراج السعاده به این ارتباط سلامت جسمانی و عبودیت اشاره نموده‌اند:

«سعی در عبادت آفریدگار و کسب فضایل و دفع رذایل موقوف به قوت بدن و صحت تن است. پس کوتاهی در رساندن غذایی به بدن، که قوت را محافظت نماید آدمی را از تحصیل سعادت محروم سازد»^[۱۴]

«وصول به اعلا مراتب سعادت، و فوز به بساط قرب حضرت خالق البریات حاصل نمی‌شود مگر به صفای دل، و حب خدا، و انس به آن و سبب صفای دل، بازداشتن نفس از شهوات دنیویه و عبادت کردن و طاعت نمودن است و سبب حب خدا، معرفت اوست و آن نمی‌شود مگر به دوام فکر در آثار صنایع عجیبه و بدایع غریبه او و باعث انس، کثرت یاد خدا، و مداومت بر آن است و این سه صفت است که: آدمی را نجات می‌دهد و او را به مراتب سعادت می‌رساند و این‌ها باقیات الصالحات‌اند، و شکی نیست: هر که درصدد تحصیل این سه صفت و اسباب آن‌ها باشد او سالک راه آخرت است و خود ظاهر است که: تحصیل این‌ها به صحت بدن محتاج، و آن موقوف است بر غذایی - که حیات آدمی بدان باقی - و لباسی و سکنایی و هر یک از این‌ها محتاج به اسبابی چند هستند»^[۱۵]

پس در تمام مراتب سلامت، آگاهی نسبت به هدف سلامت، نقش اساسی را ایفا می‌کند و او را هم به مبدأ هستی، هم به مقصد هستی و هم به راه و روش صحیح نیل به هدف آن رهنمون می‌سازد. انسان‌هایی که در سلامت جسمی دنیوی خویش با بندگی و پرستش آگاهانه، به قرب الهی رسیده‌اند، سلامت اخروی خود را هم تأمین نموده‌اند، زیرا این بدن امانتی است که نزد انسان به عاریه گذاشته شده تا با حفظ سلامت جسمانی از آن بهره بگیرد و با انجام عبادت خدا در جهت سلامت اخروی خویش گام بردارد. از این‌رو، قرب الهی می‌تواند به‌عنوان بزرگ‌ترین هدف (هدف غایی) حیات

با توجه به لزوم وجود هدف و فلسفه‌ای متعالی برای زیست دنیوی انسان و سلامت وی (عبودیت) و قلمرو سلامت (زیست دنیوی و اخروی)، مشخص می‌گردد هدف نهایی سلامت به‌طور ذاتی با مسأله معاد گره خورده است. از این منظر امکان ندارد که یک انسان به شکل ژرف به سلامت خویش، و الزامات آن (عدم جاودانگی سلامت دنیوی) بنگرد، و متوجه لزوم وجود معاد و سلامت اخروی پس از مرگ نشود و بر حقانیت معاد صحه نگذارد. در آیات و روایات نیز این ارتباط بیان گردیده است:

فَمِنَ النَّاسِ مَن يَقُولُ رَبَّنَا آتِنَا فِي الدُّنْيَا وَمَا لَهُ فِي الْآخِرَةِ مِنْ خَلَقٍ وَمِنْهُمْ مَن يَقُولُ رَبَّنَا آتِنَا فِي الدُّنْيَا حَسَنَةً وَفِي الْآخِرَةِ حَسَنَةً وَقِنَا عَذَابَ النَّارِ (بقره: ۲۰۱-۲۰۰)

«کسانی از مردم هستند که می‌گویند: پروردگارا! به ما در دنیا عطا کن» و برای او در آخرت هیچ بهره‌ای نیست. و کسانی از ایشان می‌گویند: پروردگارا! به ما در دنیا نیکی و در آخرت نیز نیکی عطا فرما و ما را از عذاب آتش نگاه دار.»

امام صادق(ع) می‌فرماید: «نعمت در دنیا، امنیت و سلامتی بدن است و نعمت کامل در آخرت، ورود به بهشت است و هرگز بر بنده‌ای که وارد بهشت نشده، نعمت کامل نخواهد بود.»^[۲۲]

آثار کاربردی بینش توحیدی در سلامت

الف) امانت دانستن جسم

شناخت صحیح از هستی و سلامت جسمی، ارزش جسم را برای فرد مشخص می‌کند و به حفظ سلامت جسمی به‌عنوان نوعی تکلیف و امانت الهی می‌نگرد و سعی می‌نماید که از سلامت جسمی خود، نهایت محافظت را به عمل آورد. در این صورت، به آن چیزی که برای جسم مفید باشد گرایش می‌یابد، و در مقابل از آن چیزی که برای آن مضر باشد دوری می‌نماید. پس زمانی که فرد به شکل واقعی به سلامت جسمی خود توجه کند، نوعی تعهد و انگیزش درونی در خود ایجاد می‌نماید، که بر حساسیت او به نسبت به اجتناب از آسیب‌های جسمی خواهد افزود. از این‌رو تأثیرات مخرب این آسیب‌ها را در جسم خویش بیش‌تر احساس خواهد نمود، و از رساندن یک آسیب جدی به جسم خود اجتناب می‌نماید. این نوع نگاه امانت‌گرا و ارزش‌گرا به سلامت جسم محدود به خود فرد نیست، بلکه زمینه‌ساز دست‌یابی انسان به اهمیت دادن به سلامت جسمی دیگران هم خواهد شد. فردی که به چنین دیدگاه و نگرشی به سلامت دست یافته باشد، افزون بر تحقق سلامت جسمی خود، به سلامت جسمی افراد جامعه نیز اهمیت می‌دهد، و هیچ‌گاه اقدام به تعرض سلامت جسمانی آنان نمی‌نماید. این بدان معناست که بینش توحیدی به سلامت، موجب ارزشمندی و مصونیت سلامت جسمی تمام افراد یک جامعه خواهد شد.

ب) ارتقای سلامت جسمی (توجه جدی به سرمایه مخفی):

از آن‌جا که جسم نقش اساسی در ادامه حیات ما در این دنیا دارد، در اسلام توجه ویژه‌ای به آن شده، و دستورات فراوانی در مورد حفظ سلامت بدن در متون دینی وجود دارد. هم‌چنین در مورد اقدامات پیش‌گیرانه و رعایت بهداشت توصیه‌های زیادی وجود دارد. باید دانست که سلامت بدن سهم به‌سزایی در بهره‌مندی کامل از مواهب الهی دارد. از این‌رو، در روایات، سلامتی را سرمایه و گنج مخفی معرفی نموده‌اند:

امیر مؤمنان(ع) می‌فرماید: «سلامتی سرمایه انسان است.»^[۲۳]

امام صادق(ع) می‌فرماید: «سلامتی سرمایه‌ای مخفی است.»^[۲۴]

این‌گونه تعبیر دینی باعث می‌شود، که توجه به سلامت جسمی اهمیت مضاعفی یابد، زیرا اگر انسان، جسم خویش را یک

دعای امام سجاد(ع): «خداوندا! بر محمد و خاندانش درود فرست و سلامت خویش را بر تن من ببوشان، مرا در سلامت خود فرو بر و در حصار سلامت خود جای ده، مرا به سلامت خود گرامی دار و به سلامت خود بی‌نیاز فرما، سلامت خودت را به من ببخش و سلامت خود به من عطا فرما، سلامت خود برای من بگستران، سلامت خودت را بر من نیکو گردان و میان من و سلامت خودت در دنیا و آخرت جدایی ميفکن. خداوندا! بر محمد و خاندانش درود فرست و مرا سلامت ده؛ سلامتی کفایت‌کننده و شفابخش و عالی و افزاینده، سلامتی که از آن در بدن من سلامتی زاید، سلامت این جهانی و آن جهانی. خداوندا! بر من به تندرستی و امنیت و سلامت در دین و بدنم احسان نما.»^[۲۰]

در واقع، می‌توان این‌گونه گفت که تفکر انسان در سلامت و آثار و لوازم آن، می‌تواند تفکر و اندیشه خداآب و توحیدی را در او محقق سازد.

ب) توجه جدی به فرجام سلامت

دومین اثر باوری، مسأله شناخت هدف نهایی سلامت یا همان «معاد» و فرجام‌اندیشی است. در روایات متعدد بیان گردیده که برخوردار از سلامت، گواراترین بهره زندگی است و بدون آن لذتی برای زیست دنیوی انسان نیست: پیامبر (ص) می‌فرماید: «خیری در زندگی جز با سلامتی نیست.»^[۲۱] امیر مؤمنان(ع) می‌فرماید: «با سلامت، لذت بردن تکمیل می‌گردد.»^[۲۲] «افزون‌ترین بهره (زندگی)، سلامتی بدن است.»^[۲۳] «سلامتی بدن‌ها از گواراترین بهره‌های (زندگی) است.»^[۲۴] «هیچ زندگی گواراتر از (زندگی با) سلامتی نیست.»^[۲۵] «سلامتی، یکی از دو لذت گواراتر است.»^[۲۶] «با سلامتی، لذت زندگی را می‌توان یافت.»^[۲۷]

امیر مؤمنان(ع) سلامتی را به‌عنوان والاترین نعمت برشمرده‌اند: «سلامتی والاترین نعمت‌هاست.»^[۲۸] «برترین نعمت، سلامتی است.»^[۲۹] «سلامتی، گواراترین نعمت‌هاست.»^[۳۰]

در نعمت دانستن «سلامت» دو نکته نهفته است که هر دو به توجه جدی به معاد و فرجام سلامت ختم می‌شود:

الف) غنیمت‌شماری سلامت: طبیعی است باید از سلامت بیش‌ترین بهره را برد. جهت این بهره بردن مهم است که قطعاً منظور اسلام، غرق شدن در لذات مادی و دنیوی نیست بلکه جهت بهره بردن به سمت آخرت است. پیامبر (ص) می‌فرماید: ای اباذر! پنج چیز را پیش از پنج چیز غنیمت شمار: جوانی را پیش از پیری، سلامت را پیش از بیماری، بی‌نیازی را پیش از فقر، فراغت را پیش از گرفتاری، و زندگی را پیش از فرا رسیدن مرگ.^[۳۱]

ب) فرجام‌اندیشی: اندیشیدن در مسئله پایان سلامت دنیوی که همان مرگ است، انسان را متوجه می‌کند که اگر اصل سلامت از خود انسان بود، باید بتواند همیشگی آن را حفظ کند و از مرگ نجات یابد. این موضوع جای اندیشه دارد که اگر اصل سلامتی از خود انسان بود، باید جاودانی باشد. این‌که سلامت از آنان گرفته می‌شود، دلیل بر این است که دیگری به آنان بخشیده، در بینش توحیدی، آفریننده حیات همان آفریننده سلامت است و آفریننده سلامت همان آفریننده مرگ است:

الَّذِي خَلَقَنِي فَهُوَ يَهْدِينُ * وَالَّذِي هُوَ يُطْعِمُنِي وَيَسْقِينُ * وَإِذَا مَرِضْتُ فَهُوَ يَشْفِينُ * وَالَّذِي يُمِيتُنِي ثُمَّ يُحْيِينِ (شعرا: ۸۱-۷۸)

«همان خدایی که مرا آفرید و به راه راستم هدایت می‌فرماید * و همان خدایی که مرا غذا می‌دهد و سیراب می‌گرداند * و هنگامی که بیمار می‌شوم مرا شفا می‌دهد * و آن‌که مرا می‌میراند سپس زنده‌ام می‌گرداند.»

ما این‌گونه آیات خود را برای گروهی که می‌دانند [و اهل بصیرت‌اند] بیان می‌کنیم».

البته با توجه به جایگاه و حوزه تأثیری که هر یک از ابعاد سلامت دارند، اسلام اصالت را به سلامت معنوی که زمینه‌ساز سلامت متعالی و جاودانه اوست، می‌دهد. گرچه در بسیاری موارد سلامت مادی متعادل انسانی منطبق بر سلامت معنوی او شمرده می‌شود، اما در موارد تعارض یا تراحم میان این دو، اولویت و اصالت را به سلامت معنوی انسان می‌دهد، زیرا بزرگ‌ترین نعمت الهی، «سلامت» معنوی انسان است. حضرت علی (ع) می‌فرماید:

«به درستی که از بلاها و مصیبت‌های آدمی، فقر و تنگدستی است و از آن بدتر و شدیدتر، بیماری بدن است و از آن بدتر و ناگوارتر، بیماری قلب (و روح) آدمی است. و (در مقابل) از مهم‌ترین نعمت‌ها، آسایش و گشادگی مال و روزی است و از آن برتر، سلامتی و صحت بدن است و از همه این‌ها بالاتر و بهتر، تقوای دل‌ها (سلامتی قلب و روح انسان) است.»^[۲۷]

نتیجه‌گیری

در بینش توحیدی، انسان تمام ابعاد «سلامت»، خود را از خداوند دریافت می‌کند و «سلامت» فرد در تمامی لحظات، وابسته به اراده الهی است. در واقع باید منشأ «سلامت» و مقصد آن را در ارتباط با خداوند در نظر گرفت. در جهان‌بینی اسلامی، هدف «سلامت» فرا مادی است، و انسان باید غایت «سلامت» خود را، در ابعاد معنوی خویش (تقرب وجودی به سرچشمه «سلامت»، یعنی خداوند) جست‌وجو نماید. کلیه اهداف و برنامه‌های دیگر انسان، تنها به‌عنوان اهدافی متوسط و کوتاه‌مدت، و آن‌هم در ذیل هدف اصلی و متعالی «سلامت» موضوعیت می‌یابند. اگر انسان زندگی خود را در این راستا قرار دهد، به معنای حقیقی زندگی خویش دست می‌یابد. اما باین‌وجود از منظر اسلامی، هر دو بعد مادی و معنوی سلامت، در حد و اندازه لازم خود موضوعیت دارند، و نباید نسبت به آن‌ها بی‌توجه بود.

تشکر و قدردانی: موردی از سوی نویسندگان گزارش نشده است.
تأییدیه اخلاقی: در این مقاله تمام ملاحظات اخلاقی مربوط به تحلیل محتوایی متون رعایت شده است.

سهم نویسندگان: غلامرضا نور محمدی (نویسنده اول)، ۱۰۰٪
تعارض منافع: موردی از سوی نویسندگان گزارش نشده است
منابع مالی: موردی از سوی نویسندگان گزارش نشده است.

منابع

1. Payandeh, A. Nahj Al-fasāha, Tehran: Doniyaye Danesh, 4th Pub, 2012 sh, Hadith: 1783. [in Arabic]
2. ArianPour, M, Farhang Engelisi be Farsi, 2014, Tehran, Jahan Rayaneh, 6th Pub, vol 2, P: 201. [in Persian]
3. Parsa, M. Zamineh Ravanshenasi Novin, Tehran, Besat, 2012, 20th Pub, P: 312. [in Persian]
4. Roshbelav, A. Borfion, O. Ravanshenasi Eijtemaee, Tarjomeh: Dadgaran, M. Tehran, Morvarid, 2001, 2nd Pub, P:124. [in Persian]
5. Erenson, E. Ravanshenasi Eijtemaee, Tarjomeh: Shokrkon H. Tehran, Roshd, 2009, 8th Ed, P:135. [in Persian]

سرمایه‌ای بپردازد که برای هدف والایی در اختیار او قرار گرفته، سعی می‌کند که از آن مراقبت بیش‌تری داشته باشد. در این صورت، از رساندن هرگونه آسیبی به سرمایه خویش (جسم)، خودداری نموده و حفظ آن سرمایه را بر خود لازم می‌داند. از نظر روایات، هنگامی ارزش واقعی این سرمایه مخفی آشکار خواهد شد که مانند یک فرد ورشکسته آن را از دست داده باشیم:

امام صادق (ع) می‌فرماید: «سلامت نعمت پنهانی است که هرگاه موجود باشد فراموش می‌شود و هرگاه از دست برود به یاد می‌آید.»^[۲۵]
امیر مؤمنان (ع) می‌فرماید: «سلامتی هرگاه پایدار باشد (ارزش آن) معلوم نگردد و هرگاه از دست رود (ارزش آن) شناخته شود.»^[۲۶]

کوشش انسان در حفظ سرمایه سلامت، نه‌تنها در زمینه دنیوی و منفعت مادی آن منحصر گردد بلکه از نوعی ارزش و اعتبار معنوی نیز برخوردار می‌باشد. زمانی که توجه به جسم و نیازهای معقول آن، افزون بر علل و انگیزه‌های مادی، از مشوق‌ها و انگیزش‌های معنوی و دینی نیز برخوردار شود، دقت و توجه افراد به این مسئله بسیار جدی‌تر می‌شود. و این موضوع می‌تواند به‌عنوان یک بستر مساعد برای ارتقای سلامت جسمی مؤثر باشد. به همین جهت در اسلام، حفظ تندرستی، این نعمت ارزشمند الهی بر همگان واجب است.

ح نگاه معادل و متوازن به سلامت جسمی

نگاه متعادل و متوازن به سلامت جسمی، یکی از دستاوردهای مهم بینش توحیدی به سلامت است. در تفکر مادی‌اندیش، توجه انسان‌ها عمدتاً مصروف به ابعاد مادی و جسمانی سلامت است، و این مسئله به‌وضوح در فضاهای علمی و دانشگاهی، و در سبک زندگی انسان‌های این عصر قابل مشاهده است. برخی گروه‌های به‌ظاهر دینی یا تفکرات فلسفی و عرفانی (مرتاضانه و صوفیانه) نیز به بهانه درک برخی لایه‌های معنوی سلامت، ظاهراً توجه کامل خویش را به مسائل معنوی معطوف کرده‌اند و نسبت به سلامت جسمانی خویش بی‌توجهی می‌نمایند. گروه اول سلامت انسان‌ها را منحصر در جسم می‌دانند و ابعاد فرا مادی آن را برنمی‌تابند، و در مقابل گروه دوم اگر از سر ناچاری توجهی ناچیز به ابعاد جسمانی خود بنمایند، اما ارزش چندانی برای آن قائل نیستند. در برابر این دو نوع نگرش که به‌صورت ناقص به سلامت انسان می‌نگرند، در نگرش توحیدی، نگاه متعادل به سلامت، مورد تأکید است. در این نگاه هم سهم جسم برای سلامت محفوظ است و هم توجه واقعی و صحیحی به ابعاد معنوی سلامت شده است.

وَ اتَّبِعْ فِيمَا آتَاكَ اللَّهُ الدَّارَ الْآخِرَةَ وَلَا تَسْ رِيبَ لَكَ مِنَ الدُّنْيَا (قصص: ۷۷)

«و در آنچه که خدا به تو عطا کرده سرای آخرت را بجوی و سهم خود را از (لذات و نعمت‌های حلال) دنیا فراموش مکن.»

نگرش توحیدی به سلامت، هم از ابعاد جسمانی و هم از ابعاد فرا مادی برخوردار است، که هر یک دارای نقش و تأثیر متناسب با حوزه خود است. از این منظر باید به هر یک از این ابعاد، توجه متناسب شود، و غفلت از هرکدام به بهانه توجه به دیگری مورد نهی قرار گرفته است.

قُلْ مَنْ حَرَّمَ زِينَةَ اللَّهِ الَّتِي أَخْرَجَ لِعِبَادِهِ وَ الطَّيِّبَاتِ مِنَ الرِّزْقِ قُلْ هِيَ لِلَّذِينَ آمَنُوا فِي الْحَيَاةِ الدُّنْيَا خَالِصَةً يَوْمَ الْقِيَامَةِ كَذَلِكَ نَفْصَلُ الْآيَاتِ لِقَوْمٍ يَعْلَمُونَ (اعراف: ۳۲)

بگو: زینت‌های خدا و روزی‌های پاکیزه‌ای را که برای بندگانش پدید آورد، چه کسی حرام کرده؟! بگو: آنان در زندگی دنیا برای کسانی است که ایمان آورده‌اند [البته اگرچه غیرمؤمنان هم با آنان در بهره‌وری شریکند، ولی] در قیامت فقط ویژه مؤمنان است

22. Tamimi Amedi A. Tasnif Qorar al-Hekam va Dorar al-Kalem. Moghaghegh: Derayati, M. Qom: Daftar Tabliqhat Islami; 1986 sh. Hadith: 11156 [in Arabic].
23. Tamimi Amedi A. Tasnif Qorar al-Hekam va Dorar al-Kalem. Moghaghegh: Derayati, M. Qom: Daftar Tabliqhat Islami; 1986 sh. Hadith: 11154 [in Arabic].
24. Tamimi Amedi A. Tasnif Qorar al-Hekam va Dorar al-Kalem. Moghaghegh: Derayati, M. Qom: Daftar Tabliqhat Islami; 1986 sh. Hadith: 11161 [in Arabic].
25. Tamimi Amedi A. Tasnif Qorar al-Hekam va Dorar al-Kalem. Moghaghegh: Derayati, M. Qom: Daftar Tabliqhat Islami; 1986 sh. Hadith: 11174 [in Arabic].
26. Tamimi Amedi A. Tasnif Qorar al-Hekam va Dorar al-Kalem. Moghaghegh: Derayati, M. Qom: Daftar Tabliqhat Islami; 1986 sh. Hadith: 11151 [in Arabic].
27. Tamimi Amedi A. Tasnif Qorar al-Hekam va Dorar al-Kalem. Moghaghegh: Derayati, M. Qom: Daftar Tabliqhat Islami; 1986 sh. Hadith: 11155 [in Arabic].
28. Tamimi Amedi A. Tasnif Qorar al-Hekam va Dorar al-Kalem. Moghaghegh: Derayati, M. Qom: Daftar Tabliqhat Islami; 1986 sh. Hadith: 11148 [in Arabic].
29. Barghi, A. Al-Mahasen, Qom: Dar al-Kotob al-Islamiah; 1991 q, Vol 1, P: 248, Hadith: 254 [in Arabic].
30. Tamimi Amedi A. Tasnif Qorar al-Hekam va Dorar al-Kalem. Moghaghegh: Derayati, M. Qom: Daftar Tabliqhat Islami; 1986 sh. Hadith: 11149 [in Arabic].
31. Tosi A. al-Amali, Qom: Boniad Besat, 1414 q, P: 526 [in Arabic].
32. Majlesi M. Behar al-Anvar. Beirut: Moasseseh al-vafa; 4^{ed} Pub, 1404 q. Vol 78, P: 172, Hadith: 8 [in Arabic].
33. Majlesi M. Behar al-Anvar. Beirut: Beirut: Moasseseh al-vafa; 4^{ed} Pub, 1404 q. Vol 78, P: 173, Hadith: 11 [in Arabic].
34. Majlesi M. Behar al-Anvar. Beirut: Moasseseh al-vafa; 4^{ed} Pub, 1404 q. Vol 78, P: 220, Hadith: 21 [in Arabic].
35. Ibn Babeveyh (sadogh), Man La Yahzoro al-faghih, Qom: Daftar Entesharat Islami, 2nd Pub, 1413 q, Vol, P: 406, Hadith: 5878 [in Arabic].
36. Tamimi Amedi A. Tasnif Qorar al-Hekam va Dorar al-Kalem. Qom: Daftar Tabliqhat Islami; 1986 sh. P:483, Hadith: 11152 [in Arabic].
37. Ibn Shobe Harrani, A. Tuhaf al-Uqul, Qom: Daftar Entesharat Islami, 2nd pub, 1404 q. P:203 [in Arabic].
6. Roshbelav, A. va Borfion, O. Ravanshenasi Ejtemaee, Tarjomeh: Dadgaran, M. Tehran, Morvarid, 2001, 2nd Pub, P:123-124. [in Persian]
7. Bedar, L. va Dezwel, J. va Lamarsh, L. Ravanshenasi Ejtemaee, Tarjomeh: Ganji, H. Tehran, 2010, Savalan, 7th Pub, P:92. [in Persian]
8. Mesbah Yazdi, M. Khodshenasi Braye Khodsazi. Qom: Moasseseh Amoozeshi va Pajoheshi Imam Khomeini; 2002 sh. P:76 [in Persian]
9. Mohammadi Reyshahri, M. Ensanshenasi az Manzare Quran va Hadis, Qom: Dar al-Hadith, 2006 sh, P:146. [in Persian].
10. Tamimi Amedi A. Tasnif Qorar al-Hekam va Dorar al-Kalem. Moghaghegh: Derayati, M. Qom: Daftar Tabliqhat Islami; 1985 sh. Hadith: 3396. [in Arabic]
11. Ibn Tavoos A. al-Eghbal belamal al-hasanah fi ma Yaamal marre fi al-Saneh Qom: Daftar Tabliqhat Islami; 2005, Vol 3, P:153 [in Arabic].
12. Ibn Tavoos A. Falah al-sael va Nagah al-masael. Qom: Bostan Ketab; 1406 q. p:139 [in Arabic]
13. Kafami a. Al-mesbah (Janat al-Aman al-Vaghaieh). Qom: Dar al-razi (zahedi), 2nd Pub, 1405 q. p:129 [in Arabic]
14. Naraq A. Meraj al-sadah. Qom: Hejrat; 5th Pub, 1997 sh. Vol.2. p:319 [in Persian].
15. Naraq A. Meraj al-sadah. Qom: Hejrat; 5th Pub, 1997 sh. Vol.2. p:349 [in Persian].
16. Ibn Tavoos A. Al-Eghbal belamal al-hsanah fi ma Yaamal marre fi al-Saneh, Qom: Daftar Tabliqhat Islami; 1996, Vol 3, P:153. Al-doa fi Ghorat al-Jamadi al-Avval [in Arabic].
17. Tabarsi, A. Al-Ehtjaj ala Ahl al-Lejaj, Mashhad: Nashr Morteza, 1403 q, Vol 2, P:342 [in Arabic].
18. Koleini M. Al-Kafi, Tehran: Dar al-Kotob al-Islamiah; 4th Pub, 1407 q, Vol 2. P 75. Hadith: 2 [in Arabic]
19. Tosi M. Al-Tahzib, Tehran: Dar al-ktob al-Islamih, 4th Pub, 1985 sh. Vol 3. P 95. Hadith: 29 [in Arabic].
20. Ali Ibn Hossein, Imam Sajad, Sahifh al-Sajjadiyyh, Qom: Daftar Nashr al-Hadi, 1996, Doaye 23 [in Arabic].
21. Ibn Babeveyh (sadogh), Man La Yahzor al-faghih, Qom: Moasseseh al-Nashr al-Islami, 3th Pub, 1413 q, Vol 4. P 368 Hadith: 5762 [in Arabic].